

منشور آموزش ۱

سخنرانی حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی، ریاست محترم قوه قضاییه در مراسم افتتاحیه دوره شانزدهم کارآموزان قضایی اداره کل آموزش ویژه روحانیون قم

تهیه شده توسط اداره کل آموزش ویژه قم

متن حاضر، سخنرانی حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی، ریاست محترم قوه قضاییه است که در تاریخ ۷۹/۹/۳ و به هنگام افتتاح شانزدهمین دوره کارآموزای قضایی قم، ایراد کرده اند. محتوای سخنان ایشان در عین ایجاز، منشور جامعی برای بخش آموزش است که در آن، وظایف و زمینه های کاری به روشنی ترسیم شده است. عنایت ایشان به امر آموزش از آن روست که با کارآمد کردن و بهینه سازی این بخش می توان به توسعه قضایی که یکی از هدف های مهم ایشان در بازسازی قوه قضاییه است دست یافت، زیرا توسعه با آموزش نیروهای کارآمد در بخش ها و لایه های گوناگون - خصوصاً آموزش قضات لایق و کاردان میسر است. ما تلاش خواهیم کرد تا با برنامه ریزی صحیح آموزشی و استفاده از اساتید مجرب، فرآیند توسعه را تعمیق و تسریع بخشیم و از طریق آموزش و تربیت قضات کاردان، پایه های نظام اسلامی را تحکیم نماییم. در این کار به همیاری تمامی عزیزانی که به نظام مقدس جمهوری اسلامی و اجرای عدالت، دل بسته اند نیاز داریم، از این رو از طرح و پیشنهادهای آنان برای ارتقای کیفیت سطح آموزش و ارائه راهکارهای اجرایی برای تحقق رهنمودهای ریاست معظم قوه قضاییه استقبال می کنیم و دستشان را به گرمی می فشاریم.

اداره کل آموزش ویژه روحانیون - «قم»

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيد الانبياء و المرسلين حبيب اله العالمين ابى القاسم المصطفى
محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) و على آله الطاهرين.

قال الحكيم فى محكم كتابه: « يا داوود انا جعلناك خليفة فى الارض فاحكم بين الناس باحق »([١])
فرا رسيدن ماه شعبان المعظم را كه ماه مواليد ائمه اطهار (عليهم السلام) و نيز تولد سيد و مولای ما امام زمان -
عجل الله تعالى فرجه الشريف - است به همه شما عزيزان تبریک عرض می كنم و از همه مسئولان قضايی
استان، قضات محترم، رؤسای ديوان عالی مستقر در اين استان و همه عزيزانی كه در اين مجلس محترم حضور
دارند، تشكر می كنم.

در اين آيه مباركه، قضاوت به حق، بر جعل خلافت برای ایشان، تفريع شده است.
« فاء » دلالت بر تفريع و ترتيب دارد، مدلول اين تفريع و ترتيب و مفادش اين است كه حكم به حق يکی از
مهم ترين مقاصد و اهداف خليفه بودن است؛ يعنی مقصد اصلی حاکميت دينی و حکومت اسلامی در دستگاه
قضائی احقاق حقوقی است كه وظيفه تشکيلات قضايی است. در متون ديگر فقهی هم به اهميت قضاوت و
حساسيت اين منصب توجه شده است، در روايات به اين منصب مهم با عبارت هایی چون: « لا يجلسه الا نبی او
وصی او شقی » اشاره شده است. در نامه امام علی (عليه السلام) به مالک اشتر، شرايط ویژه و خاصی برای قاضی
ذکر شده كه نشان از پر اهميتی آن است.

در جلد هيچدهم وسائل الشيعه و كتاب های روايي ديگر، صدها حديث درباره اهميت قضاوت و حساسيت اين
منصب و شرايط خاص قاضی و قضات آمده است. اين ها همه گويای همين مطلب اند كه مهم ترين بخش يك
حکومت اسلامی همين بخش احقاق حق و حكم به حق يعنی قضاوت عادلانه و صحيح است. چون با اين
قضاوت است كه هدف اصلی خلقت و هدف اصلی حکومت كه همان احياء حق و دفع باطل است، تحقق
می يابد.

اميرمؤمنان علی (عليه السلام) به ابن عباس فرمود: نزد من حکومت بر شما به اندازه كفش وصله زده ارزش
ندارد مگر آن كه حقى را احيا كنم و يا باطلی را بميرانم: « والله لهی أحبّ إلیّ من إمرتكم الا أن أقیم حقاً أو
أدفع باطلاً »([٢])

پس قضاوت یک کار بسیار حساس و مهم و دارای شرایط ویژه است. از نظر عملی و عینی، مسئله روشن تر از بعد نظری آن است. واقعاً این نظام مقدس جمهوری اسلامی که هدیه ای الهی است و آرزوی دیرینه انبیاء و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) و عالمان و فقها و محدثان بوده است و هم چنین مقدمه ای است برای حکومت عدل جهانی، امروزه در اختیار ماست. این نظام و حکومتی که حضرت امام خمینی و ملت شریف ایران این همه برای آن زحمت کشیدند اکنون به عنوان امانت در دست ماست. این نظام الهی اکنون در سطح جهانی به خوبی مطرح شده و همه چشم دوخته اند تا ببینند این حکومت چگونه ادعاهای خود را در خصوص نظام سازی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر اساس آموزه های دینی استوار می کند. بنای یک نظام دینی به نظر خود باختگان، یک ادعای غیرقابل قبول و سستی بود و با شرایط و روابط پیچیده امروز جهان، تناسب نداشت و متعلق به زمان هایی بوده که مثلاً جوامع بشری خیلی ساده بوده اند. کسانی که می خواستند سر و کاری با مسائل سیاسی داشته باشند سعی می کردند از قالب ها و تیترها و شعارها و آدم ها و تشکیلات و فرهنگ سیاسی غرب کمک بگیرند و به آن شکل وارد صحنه سیاست بشوند و مسائل اجتماعی را سازمان دهی کنند. پیروزی این انقلاب تمام این معادلات و محاسبات را به هم زد و ثابت کرد که با همان مبانی فرهنگی اسلام ناب - نه تحریف شده - می توان انقلاب کرد و در مقابل طاغوت ها ایستاد و مردم را بسیج کرد. این اسلام ناب، فرهنگ سیاسی و سازمان دهی آن خیلی قوی بود و در میان قالب ها و شکل های سازمان دهی های اجتماعی مدرن دیگر فعال تر و قوی تر است و دارای غنا و کفایت ذاتی است و می تواند انقلاب و حکومت کند و جامعه را به خوبی مدیریت نماید.

پس احقاق حق و پیاده کردن عدالت و تحقق ارزش ها فلسفه اصلی تشکیل حکومت است که به یاری خدا جمهوری اسلامی به طور کامل از عهده آن برآمد، به طوری که حرکت و تشکیلات اجتماعی - سیاسی کشورهای اسلامی و ملت های اسلامی که غالباً دنباله رو شیوه ها و متدهای روز بودند، به تدریج تغییر جهت دادند و از این انقلاب و راه و رسم و شعارها و آرمان های آن الگو گرفتند. امروزه ما شاهدیم که هر جا از انقلاب ما الگو گرفتند موفق و پیروز شدند و هر جا همان راه و روش های قدیمی یا به اصطلاح خودشان - جدید - بود به موفقیت نرسیدند. ما این وضع را در فلسطین، لبنان و در تمامی منطقه اسلامی به خوبی مشاهده می کنیم.

واقعاً این گونه است که هر جا فرهنگ اسلام اصیل مطرح شد به سرعت وجدان های سالم و فطرت های پاک و الهی آن را پذیرفتند. اکنون همه چشم ها به این نظام دوخته شده و تمامی دل های پاک و خداجو، به آن علاقه دارند و از شعارها، نظام ارزشی، مدل حکومت، شیوه مدیریت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و نحوه حمایت از محرومان آن الگو می گیرند.

حال در یک چنین وضعیتی کوچک ترین سستی، به اسلام ناب ضربه خواهد زد. ما اگر در احقاق حق و دفع باطل، کوتاهی کنیم، تمامی امیدها را به یأس مبدل خواهیم کرد. کسانی که با مسلمانان خارج از کشور تماس بیشتری دارند بهتر درک می کنند که چقدر جنبه الگو بودن نظام اسلامی اهمیت دارد.

مسلمانان جهان، مخصوصاً شیعیان و کسانی که در فکر مسائل اجتماعی - سیاسی اسلام هستند مرجع و پناه گاه خود را انقلاب اسلامی می دانند. قضاوت هم بخشی است که وجه ارزشی نظام اسلامی و جنبه احقاق حق و عامل گسترش عدالت اسلامی است لذا نیاز به این دارد که همه تلاش ها و توان ها صرف شود که این بخش از نظام و حاکمیت اسلامی - که همین قوه قضائیه است - به حد مطلوب نزدیک تر شود و عدالت را ایجاد نماید و امنیت را به بهترین شکل در جامعه برپا کند و برای رسیدگی به دعاوی مردم، سیستمی موفق و کارآمد و روان به وجود آورد و بتواند به نیازهای ارزشی، امنیتی و عدالتی در جوامع پیچیده امروز پاسخ بگوید.

چندی قبل از کشور کویت هیئتی به این جا آمده بودند، اولین سؤالی که از بنده کردند این بود آیا شما در نظام قضایی خود موفق اید، چون ما می خواهیم تشکیلات قضایی خود را در کویت مبدل به اسلامی کنیم و به دنبال الگوی مناسب اسلامی می گردیم و برای این امر، ایران و نظام قضایی شما را انتخاب کرده ایم.

صحبت آن ها این بود که اکنون شما در جهان به صورت الگو درآمده اید و می خواهیم بدانیم که قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی که به آن عمل می کنید، آیا موفق بوده و میزان جرایم کم تر شده است یا نه؟

می بینید اینان که خود از اهل سنت هستند، چگونه به دنبال یک الگوی موفق اسلامی هستند. یعنی صحبت از سربلند بیرون آمدن تئوری ها و نظریه ها در میدان عمل است. اگر ما بتوانیم این بعد از نظام اسلامی را در عمل تحقق ببخشیم؛ یعنی دغدغه احقاق حق داشته باشیم همه به دنبال ما خواهند آمد و حکومت اسلامی در عمل پیروز و سربلند است.

مسئولیت سنگین قضات

طلبه های فاضلی که به تشکیلات قضایی وارد می شوند و دوره کارآموزی را می گذرانند باید بدانند به کجا پا می گذارند و چه منصب خطیری - هم از نظر شرعی و هم از نظر حفظ آبروی نظام - می پذیرند آنان در این جا که می آیند نه فقط تکلیف شرعی برای فصل خصومت دارند، بلکه مسئولیت حفظ آبروی نظام اسلامی را هم دارند. هرگونه خطا و لغزش و یا تقصیر در این قسمت به پای نظریه اسلامی در باب حکومت نوشته می شود. دیگر نمی گویند قاضی در کارش موفق نبوده بلکه می گویند حکومت اسلامی ناتوان است.

اکنون هم شاهدیم که دشمنان نظام اسلامی و یا برخی نادان ها می گویند که حکومت اسلامی در بیست سال گذشته موفق نبوده و همین دلیل ناکارآمدی نظام دینی است. آن ها خود مانع بسیاری از موفقیت ها بوده و کارشکنی های فراوانی کرده اند و حالا مدعی ناکارآمدی هستند.

سخن آن ها این است که اسلام نظام قضایی، اداری، فرهنگی و سیاسی ندارد و همه این ها را به « عرف » واگذاشته است، عقل بشری و عرف عقلا و مردم هر نظامی را که کارآمد تشخیص دادند باید همان را پذیرفت. اسلام فقط یک سری دستور درباره اعتقادات و مسائل عبادی دارد، بقیه مسائل در اثر بسط دین توسط روحانیان به وجود آمده است!

پس می بینید که دشمنان چگونه تبلیغات سوء می کنند تا حکومت اسلامی و ولایت فقیه را بی اعتبار کنند. این جاست که مسئولیت قاضی فقط محدود به احقاق حق و رفع خصومت نمی شود بلکه باید به آبرو و اعتبار نظام اسلامی و کارآمد جلوه دادن آن هم فکر کند.

اینان قبل از انقلاب و در جریان قیام و تظاهرات مردم علیه شاه، خیال می کردند که پس از سرنگونی طاغوت، حکومت به دست احزاب موجود در همان زمان خواهد افتاد و اصلاً فکر نمی کردند چیزی با نام « نظریه حکومت اسلامی » پا به عرصه وجود بگذارد، اما وقتی که انقلاب اسلامی پیروز شد و امام و نخبگان دینی دیدگاه های حکومتی خود را در باب اداره امور کشور عرضه کردند و مردم هم آن ها را با جان و دل پذیرفتند، آنان بهت زده شدند و خود را شکست خورده دیدند، لذا تلاش کردند تا با روش های گوناگون، حکومت دینی را با ناکامی مواجه کنند و اثبات کنند که این نظام قابل پیاده شدن نیست. ما با نگاهی به این برنامه و افکار در گذشته و حال می توانیم مسئولیت خود را در دستگاه قضایی به خوبی حس کنیم.

وظیفه بخش آموزش

بخش آموزش که می خواهد کادر قضایی تربیت کند و تحویل دستگاه قضایی بدهد باید با دید کلان برنامه ریزی کند و برنامه های آموزشی خود را تنظیم نماید. برای این کار لازم است دو برنامه کوتاه مدت و بلند مدت داشته باشد.

برنامه کوتاه مدت، آموزش قضایی است که شامل کارآموزی، بازآموزی و آموزش ضمن خدمت می شود. هم چنین برای گزینش و شیوه ورود طلاب به دستگاه قضایی، باید ویژگی هایی را در نظر بگیرد و آن ها را آموزش دهد؛ مثلاً در حوزه های علمیه درباره مسائل جدید حقوقی، مسائل قانونی و آیین های دادرسی باید عنایت بیشتری بشود، چون حوزویان کتاب های فقهی و مسائل حقوق اسلامی را خیلی خوب می دانند ولی چون آن کتاب ها به صورت قانون و ماده به ماده نیست، نیاز به آموزش جدید و حضور ذهن در قالب مواد قانونی دارند.

آموزش مدیریت پرونده

وظیفه دیگر بخش آموزش در قسمت آموزش های عملی، آموزش «مدیریت پرونده» است. نحوه ورود و خروج قاضی به پرونده، توجه به نکات کلیدی در پرونده، اسناد و مدارک اساسی در پرونده، همه از موضوعاتی است که قاضی در هنگام قضات باید به آن ها توجه کند، لذا غیر از مسائل نظری و تئوری در این باره به تجربه های عملی بیشتر نیاز هست بنده بارها پیشنهاد کرده ام که یکی از کارهای مهم در آموزش این است که از قضات باتجربه و کارکشته دعوت شود تا در کلاس ها و در حضور کارآموزان تجربه های خود را در خصوص مدیریت پرونده برای افراد بیان کنند. این انتقال تجربه ها می تواند کارآموزان را با نکته های اساسی و کلیدی در پرونده آشنا و آنان را در امر قضاوت، یاری رساند و را از خطر ناشی از کم تجربگی نجات دهد.

آموزش اجرای احکام

یکی از آموزش های لازم دیگر، آموزش اجرای صحیح احکام است. در اسلام برای اجرای احکام آداب زیادی هست که شاید در کتاب های فقهی خیلی به آن ها توجه نشده است، چون آن ها را جزء آداب و از مستحبات

دانسته اند. اما اکنون که حکومت اسلام بر پا شده و مسئله پیاده شدن صحیح قوانین اسلامی مطرح است، اجرای صحیح این احکام نیز مهم است. در روایات ما نکته های ظریفی درباره چگونگی اجرای حد و ویژگی های فرد اجرا کننده آمده است، اما شاید به خاطر عدم ضرورت، فقها درباره آن ها تأملات فقهی نکرده و فتوا نداده اند. این که حد را در سرما یا گرما و یا هنگام ظهر نزنند، یا فرد حد زننده با عصبانیت و با شدت فراوان، حد را جاری نکند. گاهی اوقات دیده شده که اجرای احکام به دست نیروهای مسؤول این کار خیلی بد و خارج از آداب اسلامی، اجرا شده است، لذا باید بر نحوه اجرای احکام، نظارت دقیقی کرد تا حکم خدا - آن چنان که فرمان داده - اجرا شود.

پس این ظرافت ها و ریزه کاری ها در خصوص آداب اجرای حکم، باید از متون روایی استخراج و به خوبی آموزش داده شود. در فقه ما سفارش شده که حد را در ظهر یا در سرما نزنند و فرد مجرم اگر مریض است یا مستحاضه است شلاق نخورد چه رسد به تعزیرات، که اصلش بنابر تخفیف است. یکی از چیزهای که باید قانون بشود یا آقایان از اختیارات خود استفاده کنند، همین مسئله است. قاضی اجرای احکام قبل از اجرای هر حدی باید پزشک بیاورد و فردی را که قرار است حد بر او جاری شود معاینه کند که آیا مرضی دارد یا نه. بینش اسلامی این نیست که یک نفر که جرمی را مرتکب شده از هستی و انسانیت ساقط است و هر کس هر طور که خواست به او حد بزند و با هر روشی که پسندید با او برخورد کند. پس وظیفه بخش آموزش است که این خلأ را هم پر کند و آن چه که در روایات ما در این خصوص تحت عنوان آداب و مستحبات آمده، همه را با یک مطالعه سنجیده به صورت قانون درآورد.

لزوم اجرای سریع احکام

در قرآن آمده است که «ولکم فی القصاص حیاةً یا اولى الالباب» آیه های دیگر و روایات های متعددی هم این معنا را می فهماند که ای مؤمنین، قصاص برای شما باعث حیات و زندگی است. اما واقعاً چه موقع این قصاص عامل زندگی و امنیت و حیات است؟ موقعی که این قصاص، سریع انجام گیرد، چون تأخیر در اجرای قصاص تأثیر حیات آور و امنیت بخش آن را می گیرد. اگر قصاص به موقع باشد در میان

داغ دیدگان و یا مجرمان دیگر که در آینده قصد ارتکاب جرم دارند تأثیر روانی دارد و آنان را از این کار باز می‌دارد.

در روایات هست که قاتل را قبل از دفن مقتول قصاص می‌کردند، اما متأسفانه امروزه می‌بینیم که برای پرونده‌ای حکم قصاص داده شده و حدود ده سال هم از آن گذشته، اما هنوز حکم اجرا نشده است. در این صورت دیگر قصاص نمی‌تواند عامل حیات باشد، چون همه تأثیرات خود را از دست داده و مجرم، ده‌ها بار برای فرار از قصاص فرصت پیدا کرده است. تأسف شدیدتر آن است که ما می‌بینیم که بعضی از حکومت‌های همسایه ما مثل افغانستان، که روش آن‌ها را در معرفی چهره خشونت بار از اسلام قبول نداریم، اما در بُعد قصاص و اجرای سریع احکام توانسته‌اند به موفقیت‌هایی دست پیدا کنند و در جامعه سراسر فقر زده افغانستان امنیت را ایجاد کنند. البته ما شیوه حکومت‌داری و غالب برداشت‌های آنان را از اسلام قبول نداریم اما در این قسمت می‌توان گفت که موفق بوده‌اند، یعنی با اجرای سریع قصاص توانسته‌اند در دل مجرمان رعب و وحشت بیندازند و از این طریق، به امنیت دست بیابند. چندی پیش استاندار خراسان در ملاقاتی که با بنده داشت از همین ایجاد امنیت، در افغانستان، اظهار شگفتی می‌کرد. ایشان می‌گفت: با این که مردم آن جا فقیرند، دزدی و سرقت انجام نمی‌شود و مردم شب‌ها مغازه‌های خود را باز می‌گذارند و کسی جرأت نمی‌کند به اموال و ناموس مردم، دست‌درازی کند. این امنیت حاصل سرعت در اجرای احکام است. از همین جا می‌توان پی برد که در جامعه فقیر هم می‌توان امنیت به وجود آورد و «فقر» نمی‌تواند از ایجاد امنیت جلوگیری کند. البته باید تلاش کرد که فقر از بین رود و مردم به رفاه نسبی دست پیدا کنند، اما در عین حال نمی‌توان در ناامنی زندگی کرد تا فقر از بین برود. همزمان با تلاش‌های فراوان برای «فقر زدایی» باید از طریق اجرای سریع قصاص، امنیت را حاکم کرد تا در سایه آن بتوان کارهای اقتصادی و برنامه‌های فقر زدایی را اجرا کرد.

غربی‌ها و خودباختگان فرهنگ غربی، با طرح موضوعاتی چون حقوق بشر و این که قصاص مخالف با حقوق بشر است، می‌خواهند ما را از اجرای احکام خدا و ایجاد امنیت بازدارند، اما ما نباید فریب بخوریم. تحقیقاً اجرای احکام خدا و اجرای قصاص، عین عدالت و موافق با فطرت و طبیعت بشر است و از اعدام بیشتر و دردسرهای پس از آن جلوگیری می‌کند. چون اگر یک نفر اعدام شد، هزاران انسان صالح دیگر در جامعه با آرامش زندگی می‌کنند.

آموزش آداب قضاوت

یکی از آموزش های مهمی که باید در برنامه ها به طور جدی گنجانده شود « آداب قضاوت » است. قاضی در هنگام داوری و قضاوت، رفتار و کردار و گفتارش چگونه باید باشد. نحوه نشستن، نگاه کردن، کوتاهی و بلندی صدا، شیوه گوش دادن و توجه کردن به طرفین نزاع، از اموری است که در فقه ما به طور مفصل آمده است. برای نمونه در تاریخ هست که: فردی میهمان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) شد عریضه ای به مولا (علیه السلام) داد و گفت من از فلانی شکایت دارم، علی (علیه السلام) فرمود: در این صورت شما باید از منزل من خارج شوی چون از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که فرمود: « لا یضاف خصم الاّ و معه خصم ». اگر شما با آن شخص نزاع نداشتی هر چند روز که میهمان من بودی اشکال نداشت، اما در حالت نزاع و به تنهایی میهمان شدن ممکن است جهت قضاوت را تغییر دهد.

می بینید که آداب قضاوت تا کجاست و در اسلام به چه نکته های ظریفی توجه شده است.

قاضی باید به طرفین نزاع، به طور مساوی نگاه کند، آن داستان معروف هم هست که فردی یهودی از علی (علیه السلام) در مورد زره به محکمه شکایت برد. وقتی که قاضی، علی (علیه السلام) را به کُنیه خطاب کرد و « ابوالحسن » گفت و آن فرد یهودی را به طور معمولی صدا زد، علی (علیه السلام) اعتراض کرد و فرمود: قاضی باید طرفین را یک جور خطاب کند و به یک روش عمل نماید.

قاضی حق ندارد با یکی از طرفین گرم بگیرد و یا دعوت او را به میهمانی قبول کند و یا هدایای او را بپذیرد. این آداب، همه در فقه ما موجود است. اگر این آداب قضا به خوبی و با جدیت، آموزش داده شود و به دست قضاتِ کاردان و پرهیزگار، به کار بسته شود، چهره حکومت عدل اسلامی، بیشتر نمایان می شود و الگوسازی به بهترین وجه، تحقق می یابد.

ضرورت آموزش مستمر

آموزش نباید مقطعی و مربوط به دوران کوتاه خاصی باشد، گاهی دیده می شود که برنامه آموزش را برای چند ماه یا یک سال تنظیم می کنند، حال آن که آموزش باید مستمر و دائمی باشد. برای این کار باید مراتب را سنجید و طبقه بندی ویژه ای را در نظر گرفت. برای این آموزش مستمر هم به وعظ و ارشاد نمی توان اکتفا

کرد بلکه دستورهای اسلامی را باید در چهارچوب قانون و دستورالعمل گنجاند و آن ها را تعلیم داد؛ مثلاً روان شناسی برخورد با مجرمان را که در دستورهای اسلامی آمده باید به صورت قانون به قضات آموزش داد که مثلاً قاضی نباید ترش رو باشد یا واقعاً به مجرمان خوش رویی کند و تعارف و میهمانی راه بیندازد.

تدوین و آموزش نظام قضایی اسلام

برنامه بلند مدت آموزش - که به بخش تحقیقات مربوط می شود - تدوین نظام قضایی اسلام است. در این خصوص ما خلاً بزرگی داریم که با برنامه ریزی های بخش تحقیقات و کمک گرفتن از دانشوران و فاضلان حوزوی باید مبانی، سیاست ها و محتوای نظام قضایی اسلام تبیین شود. می دانید که امروزه قوانین قضایی دو نوع هست: قوانین مربوط به رسیدگی شکلی و قوانین مربوط به رسیدگی محتوایی، در این دو قسمت شکل و محتوا، اسلام حرف های فراوان و دستورالعمل های ارزنده ای دارد که باید استخراج شود. برخی از حقوق دانان مسلمان اهل سنت، پژوهش های جالبی انجام داده اند که ما می توانیم از آن ها استفاده کنیم. باید این منابع را در اختیار فضایی با استعداد که دوره های کارآموزی را می گذرانند قرارداد آن ها هم بر روی آن ها کار کنند و به دقت مطالعه نمایند تا دریابند که این حقوق دانان مسلمان چگونه مثلاً تمامی مجازات های اسلامی را با آن چه در دنیای امروز هست تطبیق داده اند.

البته روشن است که فقه ما با فقه آن ها تفاوت های آشکاری دارد، اما شیوه کار تطبیقی و نحوه مطالعات مقایسه ای را می توان از آن ها فهمید.

این کارآموزان ارجمند اگر در این خط مطالعاتی جهت داده شوند می توانند نتیجه پژوهش های خود را در اختیار هیئتی که کار تدوین و استنباط نظام قضایی اسلام را دارد قرار دهند. اعضای این هیئت هم باید کسانی باشند که به اصالت، محتوا و غنای فقه خویش آگاهانه ایمان داشته باشند و در برابر اندیشه های دیگر به خودباختگی دچار نشوند.

تدوین و ارائه چنین نظام مطلوبی بر عهده دانشوران و بزرگان حوزه های علمیه است، چون نظام قضایی اسلام باید از فقه استخراج شود، توقع این که اساتید و متخصصان حقوق - که فقه نخوانده اند و مبانی را نمی دانند - این کار را انجام دهند بی جا است. آن ها خودشان می گویند شما که ادعای نظام قضایی اسلامی را دارید آن را به ما عرضه کنید. این جاست که رسالت حوزه های علمیه، خود را نشان می دهد و وظیفه دانشوران حوزوی که با فضل و استعداد زیاد می شود. آنانی که در مسائل قضایی روز واردند و مطالعات قضایی داشته اند و یا در دانشکده های قضایی بوده اند، یا در کارآموزی ها و آموزش های قضایی بوده اند و اشراف و تسلط پیدا کرده اند باید این بار را به دوش بکشند و این خلأ را پر کنند.

این، رسالت سنگین تر و وظیفه مهم تر و عظیم تری است که بخش آموزش و تحقیقات باید از فاضلان حوزوی بخواهد و خلأها را پر کند و گرنه ما مبتلا به آفتی می شویم که دو نتیجه ناگوار دارد: یکی دل سردی از اسلام و دیگری تحریف احکام اسلام. توضیح این که: اگر نظام قضایی اسلام را - آن چنان که در متون هست - استخراج و عرضه نکنیم، تحصیل کردگان ما مأیوس شده و به سراغ نظام های قضایی عرفی موجود در جهان خواهند رفت. یا این که به سمت نظام قضایی تحریف شده - که متأسفانه رگه هایی از آن را در میان روحانیان بی سواد می بینیم - سوق داده خواهند شد؛ یعنی اصل احکام را منکر نمی شوند بلکه آن را مطابق میل غرب زدگان تغییر می دهند؛ مثلاً در مورد « عاقله » نظر خاصی می دهند و یا در خصوص شهادت زن و مرد، قائل به تساوی می شوند، چون زن های امروز تحصیل کرده اند و حکم عدم تساوی زن و مرد، مربوط به دوران بی سواد زنان بوده است و تحریف های دیگری از این قبیل. آن دل سردی دسته اول و این تحریف های دسته دوم به تدریج به جایی می رسد که اصل اسلام و انقلاب را از بین می برد. لذا وظیفه حوزه های علمیه و بخش تحقیقات قوه قضاییه است که با سرمایه گذاری های لازم این خلأ را پر کنند.

خوشبختانه در این زمینه کارهای زیادی هم شده، امروز ما از بس که تحت تبلیغات سوء قرار گرفته ایم به خود اجازه نداده ایم از پژوهش های دیگران درباره نظام جنایی اسلام، خبر بگیریم. من دیده ام که کسانی تحقیقات خوبی کرده و منابعی فراهم آورده اند، اگر همین منابع به زبان ما ترجمه شود و در اختیار اساتید قرار گیرد و به صورت کارشناسانه بر روی آن ها کار شود، و با نظام های قضایی و جنایی دیگر مقایسه شود، به دستگاه حقوقی

کامل اسلام پی خواهیم برد. اگر این پژوهش های تطبیقی به درستی پیش برود، امتیازات نظام اسلامی روشن می شود.

این، کار بسیار عظیمی است که اگر شکل بگیرد هم وضع آموزش دانشگاهمان بهتر خواهد شد هم وضع آموزش حوزه و مهم تر از همه، جهت درس های خارج فقها و مراجع حوزه نیز عوض خواهد شد و موضوعات و مسائل تازه ای متون درسی را دربر می گیرد، متن های درسی کنونی مربوط به قرن های گذشته است و برای آن روز مناسب بوده اما امروزه مسائل مبتلا به جامعه چیزهای دیگری است، حکومت اسلامی تشکیل شده و این حکومت، با مسائل خاص زمان خود، قصد اداره جامعه را بر مبنای فرهنگ اسلامی دارد. پس اسلام شناسان واقعی باید مبانی این فرهنگ را در عرصه های گوناگون قضایی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تبیین کنند. در خاتمه از خداوند متعال برای همه عزیزان، مخصوصاً کارآموزان محترم، توفیق روز افزون را خواستارم و به روان و روح امام بزرگوار - که سرچشمه همه این برکات است - و شهدای والا مقام انقلاب درود می فرستم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ازفرمایشات حضرت امام خمینی(قدس سره):

قضات محترم توجه داشته باشند که درحساس ترین مکان نظام خدمت می کنند. خیلی سعی کنند تا حتی اشتباهی انجام ندهند و در صورتی که متوجه اشتباهی شدند به هیچ وجه از برگشتن از حکمشان خجالت نکشند که خجالت در پیشگاه خداوند متعال بسیار سنگین تر از خجالت مردم است.

[۱] - سوره ص، آیه ۲۶.

[۲] - نهج البلاغه، خطبه ۳۳.